



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود

دکتر معصومه شجاعی (گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، ایران)

راضیه نعیمی (گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، ایران)

فاطمه بختیاری (گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، ایران)

آزاده کرمی (گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، ایران)

محمد رضا شریفی (گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند، ایران)

چکیده:

هدف اصلی این تحقیق؛ مروری بر مقالات داخلی و خارجی کار شده در زمینه تأثیر مکانیسم های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود می باشد. طی انجام این تحقیق؛ ده مقاله داخلی طی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ و ۵ مقاله خارجی در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این راستا مکانیسم های حاکمیت شرکتی شامل: استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیر ارشد اجرایی، مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت، تخصص مالی هیئت مدیره، وجود حسابرس داخلی، شهرت مؤسسه حسابرسی، نوع حسابرس، مدت زمان تصدی مدیرعامل، دوره تصدی حسابرس و پاداش هیئت مدیره بوده اند و سنجش مدیریت سود نیز از طریق شاخصهای جریان های نقدی عملیاتی غیرعادی، هزینه های اختیاری غیرعادی، هزینه های تولید غیرعادی، اقلام تعهدی اختیاری از طریق مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) و مدل کوتاری (۲۰۰۵)، می باشد. نتایج تحقیق نشان داد بین مکانیسم های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود نتایج مختلف و متفاوتی به دست آمده که این تفاوت ناشی از سنجش متغیرها به روشهای مختلف، انجام تحقیق در بازار سرمایه کشورهای مختلف و دوره زمانی متفاوت می باشد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، سود

1

¹ shojaee_75@yahoo.com (نویسنده مسئول)

² raziehnaeimi90@gmail.com

³ f.bakhtiyari2021@yahoo.com

⁴ karamiazadeh293@yahoo.com

⁵ msharifi14@yahoo.com



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

۱- مقدمه :

در ادبیات حسابداری، مدیریت سود به عنوان گزارش نادرست سطح عملکرد اقتصادی شرکت توسط افراد درون سازمانی (به ویژه مدیریت) تعریف می‌شود که با هدف گمراه کردن ذینفعان و دست‌اندرکاران بازار سرمایه صورت می‌گیرد و می‌تواند بر عملکرد آتی شرکت تأثیرگذار باشد. محققان مدیریت سود را مجموعه‌ای از تصمیمات قلمداد می‌کنند که به منظور حداکثر کردن ارزش سود، برخی از حقایق کوتاه مدتی که برای مدیریت سود شناخته شده اند را گزارش نمی‌کند (فرود و همکاران، ۲۰۲۰).

با در نظر گرفتن تفکیک مالکیت از مدیریت، نبود یک تئوری فراگیر با وجود استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، وجود تضاد منافع و دسترسی انحصاری مدیران به برخی اطلاعات مالی و نیز ویژگی حسابداری تعهدی در زمینه حق انتخاب مدیریت از میان روش‌های مختلف حسابداری، احتمال وجود دستکاری سود و گمراه نمودن افراد در تصمیم‌گیری‌هایشان وجود دارد. در واقع مدیران جهت افزایش ارزش شرکتهای خود در چارچوب الزامات قانونی و حسابداری اقدام به دستکاری سود می‌نمایند و در مقام مقایسه، اقدام تعهدی نسبت به اقدام نقدی بیشتر مورد دستکاری مدیریت قرار می‌گیرد (الدیری و همکاران، ۲۰۲۰).

از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری از این پدیده نامطلوب و همسو کردن منافع طیف‌های مختلف ذی‌نفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی ذی‌نفعان، مقوله "حاکمیت شرکتی" مطرح شده است که می‌توان آن را مجموعه قوانین، فرآیندها، فرهنگ‌ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت باید وجود داشته باشد تا متضمن رعایت همه جانبه حقوق سهامداران جزء، بازدارنده از سوءاستفاده‌های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان گردد. به علاوه می‌توان گفت شرکتهایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می‌شوند.

مشکلی که امروزه علی‌رغم افزایش سطح آگاهی‌ها و دانش عمومی استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی دیده می‌شود، اتکای شدید بر اعداد گزارشات حسابداری (به ویژه سود حسابداری) به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد جهت تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری می‌باشد. این اتکای غیرمنطقی انگیزه‌های فراوانی برای مدیران ایجاد می‌کند تا این اعداد را به نفع خودشان دستکاری (مدیریت) نمایند. یا به عبارت کامل‌تر دست به مدیریت سود بزنند. اصولاً مدیریت سود بدلیل اینکه تصویر نادرستی از نتایج عملکردی شرکت ارائه می‌دهد، موجب قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه‌گذاران در خصوص عملکرد واحدهای اقتصادی و مدیران آنها شده و نه تنها منجر به تزییع اصل و سود سرمایه آنها می‌شود، بلکه نوعی بدبینی در میان سهامداران به وجود آورده و رقابت سالم بین واحدهای اقتصادی کشور را از بین می‌برد. از طرفی نیز موجب می‌شود که این سرمایه‌گذاران متضرر، سرمایه‌های خود را از بخش زیربنایی اقتصاد (بورس) به سمت بخشهای غیر مولد و کاذب (از جمله دلالی و...) هدایت نمایند. که عملاً با این کار، متن اقتصاد کشور فاسد گشته و در نهایت عموم مردم جامعه از این فرآیند متضرر می‌شوند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

ریشه وجودی مدیریت سود؛ تفکیک مالکیت از مدیریت است. این تفکیک احتمال رفتارهای فرصت طلبانه مدیران را افزایش می‌دهد و مدیریت سود نمونه‌ای از این رفتارها می‌باشد. مدیریت سود، فرآیند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری است که سبب رسیدن به سطح سود مورد نظر می‌شود. مدیریت سود بر خلاف تقلب، مستلزم انتخاب رویه‌های حسابداری و برآوردهایی است که مطابق اصول پذیرفته شده حسابداری هستند، می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه گفت که مدیریت سود، مداخله مغرضانه در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است که با هدف کسب سود غیر عادی برای

6. Frode and et al

7. El Diri and et al



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

سهامداران یا مدیران صورت می گیرد. این سودها برای مدیران می توانند به شکل افزایش پاداش یا کاهش احتمال اخراج آن ها در زمان عملکرد ضعیف، باشند (داغانی و همکاران، ۱۳۹۸).

با قبول ضرورت مقابله با پدیده مدیریت سود و همسو کردن منافع طیف های مختلف ذی نفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی ذی نفعان سازمان، مقوله ی "حاکمیت شرکتی" مطرح شده است. که در واقع می توان آن را واکنشی به مسئله نمایندگی که از جدایی مدیریت از مالکیت ناشی شده، قلمداد کرد. چراکه عملاً حاکمیت شرکتی به بررسی لزوم نظارت دقیق برمدیریت، حسابرسی منظم شرکت و تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت حفظ حقوق تمامی سرمایه گذاران و ذی نفعان می پردازد. به بیانی دیگر این حاکمیت شرکتی است که تعیین می کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شده و روند مناسب پاسخگویی و انتشار مناسب اطلاعات شرکت به دینفعان چگونه باید باشد. لذا می توان گفت شرکتهایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می شوند. لذا با توجه به اهمیت موضوع مدیریت سود و تحقیقات انجام شده در زمینه تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود؛ این پژوهش به بررسی مروری تحقیقات قبلی انجام شده در این زمینه می پردازد. بدین منظور ده مقاله داخلی طی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ و پنج مقاله خارجی سال ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجا که رویه های کارآمد راهبری شرکتی برای عملکرد صحیح بازار سرمایه و کل اقتصاد کشور حیاتی و لازمی جلب و حفظ اعتماد عمومی است بنابراین راهبری شرکتی ضعیف ممکن است موجب سلب اعتماد بازار گردد که به نوبه ی خود می تواند منجر به خروج منابع یا بحران نقدینگی و سقوط قیمت ها در بورس شود. در حقیقت، شرکت علاوه بر مسئولیت در مقابل سهامداران، در قبال سرمایه گذاران و سایر اعضای خود نیز مسئولیت دارد. مقامات ناظر بازار نیز حاکمیت شرکتی را عاملی ضروری در عملکرد مطلوب و درست شرکت می دانند که اگر به طور مؤثر اجرا نگردد، ممکن است منجر به بروز ریسک شود (نیکومرام و محمدزاده سالطه، ۱۳۸۹).

حاکمیت شرکتی پیش از هر چیز حیات سالم بنگاه اقتصادی را در درازمدت هدف قرار می دهد، بنابراین راهبری شرکتی کارآمد در حمایت از سرمایه گذاران نقش دارد و به ناظران امکان می دهد تا به فرآیندهای داخلی شرکت، بیشتر اتکا کنند. وجود حاکمیت شرکتی مطلوب از آسیب پذیری بازارهای در حال توسعه از جمله بازار ایران در مقابل بحران مالی می کاهد. همچنین با برقراری عناصری از حاکمیت شرکتی در ساختار اقتصادی کشور می توان، ابزاری برای کشف و مبارزه با برخی جرایم اقتصادی (از جمله پول شویی) فراهم کرد. نکته ی دیگر این است که به نظر می رسد بتوان با شناخت مفهوم حاکمیت شرکتی و به کارگیری اصول و قواعد آن به تدوین و اصلاح قانون تجارت، اصول حسابرسی، قوانین حاکم بر بورس و ... کمک نمود (جلایی و همکاران، ۱۳۹۶).

بررسی سیستم حاکمیت شرکتی در ایران حاکی از آن است قانون تجارت حاضر، همانند روابط تجاری گذشته منسوخ بوده و پاسخگوی کارکردها و روابط تجاری موجود نمی باشد هر چند که تلاش های فراوانی به ویژه در سال های اخیر توسط مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار در قالب دستورالعمل ها و ... انجام شده، لکن حاکمیت شرکتی ارتقاء چندانی نیافته است. بنابراین براساس مبانی نظری پیشینه علمی در سراسر دنیا برای اطمینان از کارکرد مناسب شرکت ها و بازار سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه گذاران داخلی و خارجی ارتقاء حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ی کشورمان ضرورت حیاتی دارد. افزون بر ارتقاء، حاکمیت شرکتی موجب افزایش سرمایه گذاری های بلندمدت و رشد اقتصادی خواهد شد. فقدان حاکمیت شرکتی مناسب، سلب حقوق سهامداران (به ویژه سهامداران جزء) سوءاستفاده های احتمالی مدیران، فرار سرمایه و ... را به همراه خواهد داشت.



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

بنابراین سازمان‌ها برای ادامه‌ی حیات خویش، حرکت در مسیر درست و بهینه و حفظ جایگاه خود نیازمند اجرای یک سیستم کارا و مناسب حاکمیت شرکتی می‌باشند، که اجرای درست آن در دنیای رقابتی امروز ممکن است منجر به افزایش سودآوری شرکت‌ها، کاهش هزینه‌ی سرمایه و جلب اعتماد بازار و تقویت آن می‌گردد (وو و همکاران، ۲۰۲۰).

با جدا شدن مالکیت از مدیریت مساله وجود تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و ایجاد هزینه‌های نمایندگی مطرح می‌شود. لذا توجه به نظارت و کنترل حاکمیتی بر عملیات شرکت، بیش از گذشته حائز اهمیت است. در این خصوص رعایت اصول حاکمیت شرکتی، می‌تواند یکی از سازوکارهای مهم در مواجهه با مسأله نمایندگی مدیریت در قبال سهامداران باشد؛ به طوری که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را کاهش داده و در نتیجه کیفیت سود را افزایش دهد. این موضوع بعد از وقوع مشکلات و بحران مالی در جهان و توجه به رویکرد مقررات‌گذاری در حاکمیت شرکتی و نیز کیفیت حسابرسی در جهت اطمینان بخشی به صاحبان سهام، دارای اهمیت بیشتری نسبت به گذشته شده است.

۲- ادبیات و پیشینه تحقیق:

الف) حاکمیت شرکتی:

واژه راهبری شرکت‌ها تا سی سال قبل در زبان انگلیسی وجود نداشته است، با این حال، در دو دهه اخیر نه تنها در ادبیات نظری، بلکه در مباحث سیاست‌گذاران بخش عمومی نیز اهمیت پیدا کرده است. تعاریف ارائه شده از راهبری شرکت‌ها، به طور عمده دو دیدگاه محدود و گسترده را در بر می‌گیرد. در دیدگاه‌های محدود که در قالب تئوری نمایندگی بیان می‌شود، راهبری شرکت به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. از طرف دیگر، در دیدگاه گسترده، راهبری شرکت‌ها را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و غیره وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان ارائه می‌شود (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴).

بررسی تعاریف و مرور دیدگاه‌های صاحب نظران، حکایت از آن دارد که راهبری شرکت‌ها مفهومی فراگیر است و هدف نهایی آن دستیابی به موارد و اهدافی، چون پاسخگویی، عدالت، انصاف، شفافیت و رعایت حقوق ذی‌نفعان در شرکت هاست. در واقع، هدف نهایی نظام راهبری شرکت‌ها نه تنها کاهش مشکل نمایندگی و همسو نمودن منافع کارگزار با منافع کارگزار، بلکه تأمین منافع تمام گروه‌های ذی‌نفع در شرکت‌ها و واحدهای تجاری است. بنابراین، به لحاظ نظری، انتظار می‌رود که ویژگی‌های یک نظام راهبری بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیرگذار باشد، زیرا راهبری اثربخش موجب می‌شود پیامدهای نامناسب ناشی از تضاد منافع بین مدیران و مالکان، نظیر سوء استفاده از قدرت، کاهش یابد (هاشد و همکاران، ۲۰۲۱).

در سالهای اخیر، حاکمیت شرکتی یک جنبه اصلی و پویای تجارت شده و توجه به آن به طور تصاعدی رو به افزایش است. پیشرفت در اعمال حق حاکمیت شرکتی در سطح جهانی صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان توسعه اقتصادی (OECD) استانداردهای قابل قبول بین‌المللی را در این مورد فراهم می‌کنند. در آمریکا و بریتانیا همچنان به تقویت سیستم‌های حاکمیت شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهامداران و روابط آنها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیئت مدیره، حسابرسی و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی، توجه ویژه می‌کنند و به روش‌هایی توجه دارند که شرکت‌ها با این روشها کنترل و اداره می‌شوند. افزون بر آن، سرمایه‌گذاران جزء، سرمایه‌گذاران نهادی، حسابداران و حسابرسی و سایر

⁸. Wu and Et al

⁹. Hashed and Et al



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

بازیگران صحنه بازار پول و سرمایه از فلسفه وجودی و ضرورت اصلاح و بهبود دایمی حاکمیت شرکتی، آگاهند. اصول OECD اهدافی را برای چارچوب حاکمیت شرکتی بیان کرده است از جمله راماکریشنان و نصیری، (۲۰۲۰):

- محافظت از حقوق سهامداران.
- اطمینان از رفتار عادلانه برای همه سهامداران.
- شناسایی حقوق ذی نفعان و ارتقای مفهوم تابعیت خوب شرکت.
- اطمینان از افشای به موقع و صحیح اطلاعات شرکت از جمله موقعیت مالی، عملکرد و حاکمیت.
- راهنمایی استراتژیک شرکت، نظارت مؤثر مدیریت به وسیله هیئت مدیره، پاسخگویی هیئت مدیره در مقابل شرکت و سهامداران.

بررسی متون متعدد و معتبر نشان می‌دهد که نخستین و قدیمی ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین *Gubernare* به معنای هدایت کردن گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که نخستین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل. روش های متعددی برای تعریف حاکمیت شرکتی وجود دارد که از تعاریف محدود و متمرکز بر شرکت ها و سهامداران آن ها، تا تعاریف جامع و دربرگیرنده پاسخگویی شرکتها در قبال گروه کثیری از سهامداران، افراد یا ذینفعان متغیر هستند (احمدپور و منتظری، ۱۳۹۰).

(ب) مدیریت سود:

5

در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب های مالی مشخص نیست ولی تفاوت های مفهومی آشکاری میان فعالیت های حسابداری تقلبی و قضاوتها و برآوردهایی که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری قرار می گیرند وجود دارد و از آنها می توان جهت مدیریت سود سالم استفاده نمود. مدیریت سود عملی است که موجب می شود، سود گزارش شده بیشتر منعکس کننده خواسته های مدیریت باشد تا عملکرد مالی بنیادی شرکت. همچنین مدیریت سود را به عنوان مداخله هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی با قصد تحصیل برخی منافع شخصی تعریف می کنند. این دو تعریف بر جنبه فرصت طلبانه مدیریت سود تمرکز دارند؛ یعنی، مدیریت با انگیزه های سودجویانه اقدام به مدیریت سود می کنند و به طور ضمنی بیان می کنند که مدیریت سود موجب کاهش محتوای اطلاعاتی اعداد حسابداری خواهد شد. از سوی دیگر، برخی محققان نگاهی آگاهی دهنده به مدیریت سود دارند و آن را به عنوان دستکاری اعداد سود توسط مدیران تعریف می کنند که به واسطه آن اطلاعات خصوصی و محرمانه مدیریت در مورد عملکرد آتی شرکت به سرمایه گذاران منتقل می شود. با پذیرش این تعریف باید انتظار داشت مدیریت سود نه تنها موجب کاهش محتوای اطلاعاتی سود نخواهد شد بلکه این عمل سرمایه گذاران را در تفسیر بهتر ارقام گزارش شد یاری می رساند (داغانی و همکاران، ۱۳۹۸).

به هر حال باید گفت که فرصت طلبانه بودن مدیریت سود در ادبیات تحقیق از مقبولیت بیشتری برخوردار است. بنابراین مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران در گزارشگری مالی و در سازماندهی معاملات از قضاوت استفاده کرده و گزارشات مالی را تغییر دهند؛ به گونه ای که برخی از ذینفعان نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه شوند یا نتایج قراردادهایی را تحت تاثیر قرار دهند که به اعداد حسابداری وابسته هستند (صفایی و همکاران، ۱۳۹۶).

مدیریت سود، بر خلاف تقلب، مستلزم انتخاب رویه های حسابداری و برآوردهایی است که مطابق اصول پذیرفته شده حسابداری هستند. مدیریت سود مداخله مغرضانه در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است که با هدف کسب سود غیرعادی برای سهامداران یا مدیران صورت می گیرد. سهامداران زمانی سود خواهند کرد که مدیریت سود برای انتقال محرمانه استفاده شود، از تجدید قراردادهای بدهی هزینه بر، جلوگیری شود یا هزینه های سیاسی کاهش یابد. از سوی دیگر، مدیران می



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

توانند از مدیریت سود برای کسب سود از سهامداران استفاده کنند. بر همین اساس، می توان انگیزه مدیران از مدیریت سود را به دو طبقه مجزا و متضاد تقسیم بندی نمود (صالحی کردآبادی و زاددوستی، ۱۳۹۹):

مدیریت سود کاراً: که هدف از آن افزایش کیفیت تهیه اطلاعات برای کمک به استفاده کنندگان برای درک بهتر قدرت سودآوری و وضعیت مالی شرکت است؛

مدیریت سود فرصت طلبانه: که مدیران این اعمال را فقط برای حداکثرسازی منافع خود و نه سرمایه گذاران، انجام می دهند. به عبارتی، مدیران سود را به گونه ای مدیریت نمایند که منافع خود را افزایش داده و منافع دیگران را تباہ سازند.

مدیریت سود واقعی از طرق مختلفی به وجود می آید که عبارتند از دستکاری هزینه های اختیاری، تولید اضافی، تخفیفات نقدی فروش، تغییر زمان فروش داراییها، فروش اوراق قابل معامله که همگی به دستکاری سود منجر می شود. معمولاً ارزیابی مدیریت سود واقعی، رفتار فرصت طلبانه را آشکار می کند و سرمایه گذاران، بی کفایتی در استفاده از منافع را خواهند دید و این نوع مدیریت سود، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است (حساس یگانه و یزدانیان، ۱۳۸۶).

ج) پیشینه داخلی :

صالحی کردآبادی و زاددوستی (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی نقش ویژگی های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. جامعه آماری پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ است. در این پژوهش برای ارزیابی حاکمیت شرکتی از متغیرهای مدت زمان تصدی مدیر عامل، اتکا بر بدهی، تمرکز مالکیت، استقلال هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل، و مالکیت نهادی استفاده شده است. مدل آماری پژوهش با بهره مندی از روش رگرسیون برآورد شده و یافته های پژوهش بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود است. هم چنین بین مالکیت نهادی، اتکای بر بدهی، و استقلال هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. تمرکز مالکیت و مدیریت سود دارای رابطه معنادار نبوده و بین مدت زمان تصدی مدیرعامل و دوگانگی وظیفه با مدیریت سود نیز رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی رابطه معنادار و مستقیم مشاهده شد. مالکیت نهادی، مدت زمان تصدی مدیرعامل و استقلال هیات مدیره نیز دارای رابطه مستقیم و معنادار با عملکرد مالی بوده ولی بین تمرکز مالکیت، اتکای بر بدهی با عملکرد مالی رابطه معنادار حاکم نیست. هم چنین، بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و عملکرد مالی رابطه معکوس و معنادار مشاهده گردید.

داغانی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی اثر دوره تصدی حسابرس، اندازه حسابرس و ساختار مالکیتی و نظارتی هیأت مدیره بر مدیریت سود پرداخته اند. در زمینه ساختار هیأت مدیره، نتایج پژوهش گویای رابطه مستقیم و معنادار میان مالکیت مدیرعامل و مدیریت سود است. همچنین نتایج نشان دهنده رابطه مثبت بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود است. نتایج تحقیق در خصوص بررسی تأثیر تعداد شرکا و مدیران موسسات حسابرسی بر مدیریت سود حاکی از آن است که در شرکت هایی که توسط موسسات حسابرسی با پنج الی ده شریک و مدیرفنی حسابرسی می شوند، مدیریت سود کمتری صورت می گیرد.

صفایی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و مدیریت مالیات پرداخته اند. بدین منظور برای حاکمیت شرکتی برخی از معیارهای مهم از جمله اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و میزان پاداش اعضای هیئت مدیره مورد توجه قرار گرفته است و همچنین برای مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز و برای مدیریت مالیات از معیارهای نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری استفاده شده است. این موضوع با استفاده از اطلاعات استخراج شده از ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ انجام شده است. برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون چند متغیره، به روش حداقل مربعات با داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هیچ یک از شاخص های حاکمیت شرکتی (شامل اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره)، تأثیر معناداری بر



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

مدیریت سود ندارد. از سوی دیگر شاخص اندازه هیئت مدیره از حاکمیت شرکتی، تاثیر معناداری بر شاخص های نرخ موثر مالیاتی قطعی و نیز نرخ موثر مالیاتی حسابداری از مدیریت مالیات داشته است. اما هیچ یک از شاخص های حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر نرخ موثر مالیاتی جاری نداشته اند. به طور کلی می توان گفت افزایش اندازه هیئت مدیره منجر به کاهش نرخ موثر مالیاتی قطعی و حسابداری و در نهایت مدیریت مالیات می شود.

قدرتی و فیضی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود پرداختند. آنها برای حاکمیت شرکتی از شاخصهای نسبت سرمایه گذاران نهادی، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، وجود حسابرس داخلی استفاده کردند. نتایج حاکی از آن بود که هیچ یک از متغیرهای مرتبط با حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود تاثیرگذار نبوده است.

نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از آزمون بیانگر این بود است که اولاً، شرکتهایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی (چه قوی و چه ضعیف) بوده اند، ارقام تعهدی اختیاری کمتری داشتند، بدین معنی که در اینگونه شرکتهای مدیریت سود کمتر اتفاق می افتاد. دوماً، شرکتهای با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکتهای با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً ارقام تعهدی بیشتری ندارند. به طور کلی، نتایج بیانگر آن است که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد بدین معنی که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین کننده موثر بر مدیریت سود است.

(د) پیشینه خارجی:

فرود و همکاران (۲۰۲۰) رابطه بین سه ویژگی حاکمیت شرکتی (اندازه هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نمایندگان سهامداران نهادی در هیات مدیره) و مدیریت سود را بررسی نمود و نتایج تحقیق او حاکی از این است که اندازه هیات مدیره، دو گانگی وظیفه مدیرعامل و نمایندگان سهامداران نهادی در هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معنی داری دارند.

راما کریشنان و نصیری^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی تاثیر مدیران غیرموظف و سرمایه گذاران نهادی بر رفتار مدیریت سود پرداخته اند و به این نتیجه رسیدند که وقتی انگیزه برای دستکاری سود بالاست؛ مدیران غیرموظف و سرمایه گذاران نهادی عمده نقش ضعیفی در کاهش ناهنجاری ارقام تعهدی غیرعادی دارند.

الدیری و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای درصد مالکیت اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد سهام شناور آزاد براساس بالا بود و یا پایین بودن میزان مدیریت سود تفاوت وجود ندارد و درصد مالکیت اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد سهام شناور آزاد بر مدیریت سود شرکت تاثیری ندارد، در حالت کلی، نتایج تحقیق نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود تأثیر نداشته است.

(ه) نتیجه گیری:

نتایج تحقیق نشان داد بین مکانیسم های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود نتایج مختلف و متفاوتی به دست آمده که این تفاوت ناشی از سنجش متغیرها به روشهای مختلف، انجام تحقیق در بازار سرمایه کشورهای مختلف و دوره زمانی متفاوت می باشد.

^۱ . Frode and et al

1

^۱ . Ramakrishnan and Nasiri

2

^۱ . El Diri and et al

3



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

فهرست منابع:

منابع فارسی

۱. احمدپور، دکتر احمد. منتظری، هادی (۱۳۹۰). نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن. مجله پیشرفتهای حسابداری دانشگاه شیراز. دوره سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، پیاپی ۶۱/۳، صفحه های ۱-۳۵ (مجله ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین).
۲. جلائی، سید عبدالمجید. رحیمی پور، اکبر. میر، هدیه. جمال زاده، محمود (۱۳۹۶). تاثیر شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیر معمول با اشخاص وابسته در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی. دانشگاه الزهراء. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. سال پنجم؛ شماره شانزدهم. صص ۱-۲۷.
۳. حساس یگانه، دکتر یحیی. یزدانیان، نرگس (۱۳۸۷). تاثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۱۷.
۴. حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۵). تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. پژوهش های تجربی حسابداری. سال پنجم، شماره بیستم، تابستان ۱۳۹۵. صص ۲۳-۴۵.
۵. صالحی کردآبادی، دکتر سجاد. زاددوستی، فرزانه (۱۳۹۹). رابطه حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم). دوره ۳، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۹ (جلد دوم).
۶. صفایی، محمد. محمودی درویشانی، بابک. عباسی، ابراهیم (۱۳۹۶). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت سال ششم / شماره ۲۳ / پائیز ۱۳۹۶.
۷. عباسزاده، محمدرضا. حصارزاده، رضا. جباری نوقابی، مهدی. عارفیاصل، سولماز. (۱۳۹۴). فراتحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. بررسی های حسابداری و حسابرسی. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. دوره ۲۲، شماره ۱. بهار ۱۳۹۴. صص ۵۹-۸۴.
۸. قدرتی، حسن. فیضی، سعید (۱۳۹۴). تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی - سال چهاردهم شماره ۵۸ بهار ۹۴.
۹. نیکومرام، دکتر هاشم. محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۸۹). رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. فراسوی مدیریت. سال چهارم - شماره ۱۵ - زمستان ۱۳۸۹. صص ۱۸۷-۲۱۰.

منابع لاتین

10. Abdulwahid A. Hasheda,b and Faozi A. Almaqtari (2021). The impact of corporate governance mechanisms and IFRS on earning management in Saudi Arabia. Contents lists available at GrowingScience. Accounting homepage: www.GrowingScience.com/ac/ac.html. Accounting 7 (2021) 207-224.
11. Daghani, Reza. Hajian, Najmeh. Tolouie, Kobra (2018). Effects of the Board's Ownership and Oversight Structure And Audit Characteristics On Earning Management. Empirical Research In Accounting/ Winter 2020.
12. Frode Kjærland , Ane Tolnes Haugdal, Anna Sønndergaard and Anne Vågslid (2020). Corporate Governance and Earnings Management in a Nordic Perspective: Evidence from the



اولین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳ تیر ۱۴۰۰ - تهران

Oslo Stock Exchange. Received: 11 September 2020; Accepted: 26 October 2020; Published: 29 October 2020.

13. Malek El Diria, Costas Lambrinoudakisb, Mohammad Alhadab (2020). Corporate governance and earnings management in concentrated markets. *Journal of Business Research* 108 (2020) 291–306.
14. Nasiri, Mojtaba. Ramakrishnan, Suresh (2020). Earnings Management, Corporate Governance and Corporate Performance Among Malaysian Listed Companies.
15. Wu, Mengyun. Coleman, Martha. Bawuah, Jonas (2020). The Predictive Power of K-Nearest Neighbor (KNN): The Effect of Corporate Governance Mechanisms on Earnings Management. *SAGE Open*. July-September 2020: 1 –12. © The Author(s) 2020. DOI: 10.1177/2158244020949537 <https://doi.org/10.1177/2158244020949537>
journals.sagepub.com/home/sgo.